

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

# نهج البلاغه

عدالت اجتماعی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

ویژه مرحله آموزشی مسابقات نهج البلاغه



وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، عترت و نماز



## عدالت اجتماعی



امروزه اغلب وقتی سخن از عدالت به میان می‌آید، بُعد اجتماعی آن مد نظر است. در برخی از لغت‌نامه‌ها نیز به همین بُعد از عدالت توجه شده است: عدل به معنای انصاف؛ یعنی آن‌چه حق شخص است، به او داده شود و آن‌چه بر گردن او است، از او گرفته شود. شهید مطهری برای عدالت چهار معنی ذکر می‌کند که عبارت است از: تساوی، موزون بودن، رعایت حقوق افراد و رعایت قابلیت‌ها در افاضه وجود. شهید مطهری تعریف سوم را انتخاب می‌کند.

با توجه به تعاریف ذکر شده، می‌توان گفت که: عدالت اجتماعی عبارت از ارزشی است که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌گردد که هر صاحب حقی، به حق خود می‌رسد و امور جامعه با تناسب و تعادل در جایگاه شایسته و بایسته‌ی خود قرار می‌گیرد.

البته انتخاب «استاد مطهری» از روی شناختی است که از متون اسلامی به خصوص نهج البلاغه دارند؛ چنان‌چه امام علی (ع) در جای جای نهج البلاغه هدف اصلی حکومت اسلامی را تحقق و گسترش عدالت معرفی می‌نمایند.

عدالت و دادگری، در لغت به معنای استقامت است و برخی از آن به انصاف و قسط تعبیر کرده‌اند. در عدالت فردی، بحث از نوعی شخصیت و توازن در رفتار و کردار است اما همان‌طور که اشاره شد، عدالت اجتماعی عبارت است از ارزشی که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایطی می‌شود که هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و فرد در جامعه با تناسب و تعادل در جایگاه شایسته قرار می‌گیرد.

از جمله مسائلی که در نهج البلاغه فراوان درباره‌ی آن‌ها بحث شده است، مسائل مربوط به حکومت و عدالت است. هر فردی که یک بار نهج البلاغه را مطالعه نماید، درمی‌یابد که امام علی (ع) درباره حکومت و عدالت، حساسیت خاصی دارد و اهمیت و ارزش فراوانی برای آن قائل است. به یقین برای کسانی که با اسلام آشنایی ندارند و برعکس با تعلیمات سایر ادیان جهانی آشنا باشند، باعث تعجب است که چرا یک پیشوای دینی این قدر به این گونه مسائل می‌پردازد، مگر این مسائل مربوط به دنیا و زندگی دنیایی نیست؟

چگونه می‌شود یک پیشوای دینی در مورد مسائل دنیوی و اجتماعی این قدر حساسیت نشان دهد؟ اما کسی که با تعلیمات اسلامی آشنا باشد و پیشینه‌ی زندگی حضرت را بداند که در دامان مقدس پیامبر مکرم اسلام پرورش یافته است، پیامبر او را در کودکی در خانه‌ی خود و روی دامان خود بزرگ کرده است و با تعلیم و تربیت مخصوص خود پرورش داده است، رموز اسلام را به او آموخته و اصول و فروع اسلام را در جان او ریخته است، شگفت زده نمی‌شود بلکه برای او اگر جز این بود، جای تعجب داشت.

قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». «سوگند که ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان فرود آوردیم که میان مردم به عدالت قیام کنند». (سوره حدید، آیه: ۲۵)

در این آیه‌ی کریمه، برقراری عدالت به عنوان هدف بعثت همه انبیاء معرفی شده است. مقام قداست عدالت تا آنجاست که پیامبران الهی به خاطر آن مبعوث شده‌اند. بنابراین چگونه ممکن است کسی مانند علی (ع) که شارح و مفسر قرآن کریم و توضیح‌دهنده اصول و فروع اسلام است، درباره این مسئله سکوت کند و یا آن را در درجه کمتری از اهمیت قرار دهد؟

## ارزش عدالت نزد امام علی (ع)

عدالت، یکی از مسائلی است که به وسیله‌ی اسلام، حیات و زندگی را از سرگرفت و ارزش فوق‌العاده‌ای یافت. اسلام نه تنها به عدالت توصیه نمود و به اجرای آن نیز عمل ورزید؛ بلکه ارزش عدالت را بالا برد. بهتر است این مطلب را از زبان امام علی (ع) شنیده شود:

فرد باهوش و نکته‌سنجی از امیرالمؤمنین علی (ع) سؤال می‌کند:

«أَيُّهُمَا أَفْضَلُ، الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟» «کدام یک برتر است، عدل یا بخشش»؟

امام در پاسخ به دو دلیل، عدل را بالاتر بر می‌شمارند و می‌فرمایند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا». عدل، امور را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد اما بخشش و احسان، آن را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد.

امام علی (ع) در ادامه می‌فرمایند: «وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ». «عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل است». عدالت قانونی است و عام، و مدیر و مدبری است کلی و شامل که همه اجتماع را در برمی‌گیرد و بزرگراهی است که همه باید از آن بروند اما جود و بخشش، یک حالت استثنائی و غیر کلی است.

آن‌گاه مولای متقیان امام علی (ع) پاسخ می‌دهند: «فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا». «پس از میان عدالت و جود؛ عدالت، شریف‌تر و برتر است». (نهج البلاغه، حکمت: ۴۳۷)

این گونه تفکر درباره انسان و مسائل انسانی، نوع خاصی از اندیشه است و بر اساس ارزیابی خاصی ابراز شده است. ریشه‌ی این ارزیابی بر این باور استوار است که اصول و مبادی اجتماعی بر اصول و مبادی اخلاقی تقدم دارد؛ آن یکی اصل است و دیگری فرع.

از نظر امام علی (ع)، اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد؛ عدالت است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستم‌گر را راضی و آرام نگه دارد تا چه رسد به ستم‌دیدگان و پایمال‌شدگان.

## حکومت برای عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم جامع و همه‌جانبه در سیاست‌گذاری یک حکومت و یک نظام وسیع بین‌المللی، برای اولین بار در تاریخ، از طرف امام علی (ع) و پس از شکست امپراطوری‌های روم و ایران و فتوحات مسلمین در قاره‌های آسیا و آفریقا پایه‌گذاری شد. از دیدگاه امام علی (ع)، عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است و همه‌ی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را در بردارد.

بنابراین امام علی (ع) در جای جای نهج البلاغه هدف اصلی حکومت اسلامی را تحقق و گسترش عدالت اجتماعی و حتی پذیرش خلافت اسلامی را برقراری عدالت در اجتماع معرفی می‌نماید:

«أما والذي فلق الحبة وبرأ النسمة، لولا حضور الحاضر وقيام الحجة بوجود الناصر وما أخذ الله على العلماء أن لا يفاروا على كظة ظالم ولا سغب مظلوم لألقيت حبلها على غاربها، ولسقيت آخرها بكأس أولها». «سوگند به شکافنده‌ی بذر و آفریننده جان، اگر نبود عهدی که خدا از عالمان گرفته است که بر شکم بارگی ستم‌گر و محرومیت ستم‌دیده سکوت نکنند و رضایت ندهند، حتماً افسار خلافت را رها می‌کردم و هرگز زیر بار مسئولیت نمی‌رفتم. (نهج البلاغه، خطبه: ۳)

آری حکومت و خلافت از دیدگاه امیرمؤمنان علی (ع) برای تحقق عدالت اجتماعی است، امری که در رأس همه‌ی امور قرار دارد؛ بنابراین به ابن عباس فرمود: «وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا» «به خدا سوگند، این کفش کهنه‌ی بی‌ارزش را از حکومت بر شما بیشتر دوست می‌دارم، مگر آن‌که بتوانم حقی را به پا دارم یا از باطلی جلوگیری کنم». (نهج البلاغه، خطبه: ۳۳)

البته امام (ع) در این رابطه تلاش زیادی به خرج داد و سرمایه‌گذاری سنگینی نمود و دامن همت به کمر زد و در واقع یک تنه قیام کرد و در زمانی که عده‌ای مأیوس و گروهی بی‌تفاوت و جمعی هم به غارت بیت‌المال مشغول بودند، با توانی سرشار از ایمان به پاخواست و در راه نجات حکومت از چنگال دنیاپرستان دست به اقدامات اساسی زد و جلوی بی‌عدالتی‌ها و تجاوزها را گرفت و در این راه، از سرزنش هیچ کسی نهراسید. باید دانست که امام در انجام این کار با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های گروه‌های منحرف و دین‌داران دین‌شناس و نیز بنی‌امیه و طرفداران آن‌ها مواجه بود ولی حضرت با تدبیر و خیرخواهی و سرانجام با جهاد و مبارزه، هدف خود را بی‌امان و مستمر تا لحظه‌ی شهادت دنبال کرد و در نهایت، مکتب عدالت را بنیان نهاد و آن را در تاریخ به نام خود ثبت نمود.

## عدالت اجتماعی را فدای مقام نمی‌کنم! (خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه)

مرحوم کلینی در روایتی که از خطبه ۱۲۶ آورده است از ابی مخنف چنین نقل می‌کند: گروهی از شیعیان خدمت امیرمؤمنان (ع) رسیدند و عرض کردند: «چه مانعی دارد بیت المال را بیرون آوری و در میان رؤسا و اشراف تقسیم کنی و آنها را بر ما برتری بخشی (و سهم ما را به آنها دهی) تا پایه‌های حکومت‌تان محکم شود؟» سپس به برنامه تقسیم بالسویه و عدالت در رعیت بازگردی؟ امام (ع) از پیشنهاد آنها ناراحت شدند و این خطبه را ایراد فرمودند و با صراحت اعلام کردند که برای رسیدن به یک هدف مقدس نباید از وسیله نامقدس و گناه‌آلود استفاده نمود که این کار با منطق اسلام سازگار نیست و فرمودند: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أُطَلِّبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فَيَمُنَّ وَكَلِّتُ عَلَيْهِ». «آیا به من پیشنهاد می‌کنید که برای پیروزی خود، از جور و ستم در حق کسانی که برای آنها حکومت می‌کنم، استمداد جویم؟»

مگر هدف حکومت، اجرای عدالت نیست؟ چگونه شما پیشنهاد می‌کنید که با ظلم و ستم، پایه‌های حکومت را محکم کنم؟! این تناقضی آشکار است و پیشنهادی است بر خلاف رضای پروردگار! سپس افزود: «وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أَمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا» «به خدا سوگند، من گرد چنین کاری نمی‌کردم مادامی که شب و روز پشت سر هم آیند و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب کنند».

امام (ع) برای بیان عزم راسخ خود در این کار صریح‌ترین و محکم‌ترین جمله‌ها را فرموده، از یک سو به نام خدا سوگند یاد می‌کند از سوی دیگر جمله «لَا أَطُورُ» را به کار می‌برد که مفهومی است نه تنها چنین کاری نمی‌کنم بلکه نزدیک و گرداگرد آن نیز نخواهم آمد و از سوی دیگر به حرکت مستمر و جاودانی ستارگان و شب و روز در پهنه‌ی زمین اشاره می‌کند، کنایه از این است که اگر عمر جاودان هم داشته باشم هرگز آلوده‌ی چنین تبعیض و جور و ستمی نخواهم شد.

و امیرمؤمنان برای تأکید بیشتر می‌افزاید: «لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ لِلَّهِ». «اگر این اموال از خودم بود به یقین در میان مردم به طور مساوی تقسیم می‌کردم، تا چه رسد به این که این اموال، اموال خداست».

گرچه بیان این سخنان، برای گروهی ظاهربین و کوتاه نظر که حقیقت را پای مصلحت قربانی می‌کنند، ناخوشایند بود ولی در مقابل، سنت پیامبر اکرم (ص) و تعلیمات قرآن مجید و ارزش‌های والای اسلامی را با این کلام گهربار احیا فرمود.

## پیامدهای عدم رعایت عدالت اجتماعی (خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه)

سپس امام علی (ع) به بیان مفسد این کار (تبعیض، جور و ستم و تقسیم ناعادلانه اموال) می‌پردازد و چنین می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ». «آگاه باشید! بخشیدن مال در غیر موردش، تبذیر و اسراف است، هر چند ممکن است این کار در دنیا سبب سربلندی کسی که آن را انجام داده است، شود ولی در آخرت موجب سرافکنندگی وی خواهد گشت. این کار او را (روزی چند) در میان مردم (دنیا پرست) گرامی می‌دارد ولی در پیشگاه خدا به زمینش می‌افکند!»

«تبذیر» و «اسراف» گاهی به یک معنی و به صورت مترادف و گاهی به دو معنی به کار می‌رود؛ زیرا «تبذیر» به معنی دقیق کلمه با اسراف متفاوت است. «تبذیر» از ماده‌ی «بذر» به معنی پاشیدن دانه است و در جایی به کار می‌رود که انسان، نعمت خدا را ضایع کند و دور بریزد و به تعبیر دیگر «ریخت و پاش» کند ولی «اسراف»، زیاده‌روی در مصرف کردن نعمت‌هاست به طوری که از حد اعتدال بیرون باشد بی آن که به ظاهر چیزی ضایع گردد مثل این که غذای بسیار زیاد و گران قیمتی برای چند نفر تهیه کنند که با قیمت آن بتوان ده‌ها نفر را سیر نمود.

پیشوای پرهیزکاران جهان، امام علی (ع) در این بخش از سخنان خود، به آثار سوء عدم رعایت عدالت اجتماعی و صرف اموال در غیر مورد استحقاق، اشاره فرموده است که ممکن است انسان در سایه‌ی آن چند صباحی در میان مردم صاحب نفوذ باشد ولی در پیشگاه الهی به طور کلی سقوط کرده و در قیامت مجازات سنگینی خواهد داشت. سپس به آثار دنیوی آن می‌پردازد و می‌فرماید: «وَلَمْ يَضَعْ أَمْرُ مَالِهِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَلَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ، إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَكَانَ لِعَيْرِهِ وَدُهُمْ، فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ النَّعْلُ يَوْمًا فَاحْتِاجَ إِلَى مُعَوْنَتِهِمْ، فَشَرُّ خَلِيلٍ وَالْأَلْمُ حَدِينٍ» «هیچ کس مال خویش را در غیر مورد استحقاق و نزد غیر اهلش قرار نداد مگر این که سرانجام خداوند او را از سپاس‌گزاری آنان محروم ساخت و محبتشان را متوجه دیگری نمود، تا آنجا که اگر روزی پایش بلغزد و به کمک آنان نیاز داشته باشد، بدترین دوست و پست‌ترین رفیق خواهد بود».

امام علی (علیه السلام) برقراری عدالت اجتماعی را برترین عمل و رهبر عادل را بهترین و شایسته‌ترین بندگان خداوند دانسته است. به نظر امیرمؤمنان (علیه السلام)، برقراری عدالت اجتماعی باعث رضایت‌مندی مردم از حکومت و جلوگیری از شورش‌های مردمی شده و در نتیجه، ثبات و امنیت کشور را تضمین خواهد کرد. از منظر مولای متقیان، مردم نیز در تحقق عدالت اجتماعی نقش مهمی دارند. حضرت علی (علیه السلام) هوای نفسانی، حاکم و کارگزاران ناشایست را از مهم‌ترین موانع برقراری عدالت اجتماعی برشمرده است.